

184-163

184-175

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعای ایران - ایالات متحده

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

163

Case No. 184

Date of filing: 5 Nov 87

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of Mr AMELI _____
- Date _____
_____ pages in English 5 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

DISSENTING OPINION OF MR. AMELI

Case No. 184

Chamber One

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده

۱۹۶۳

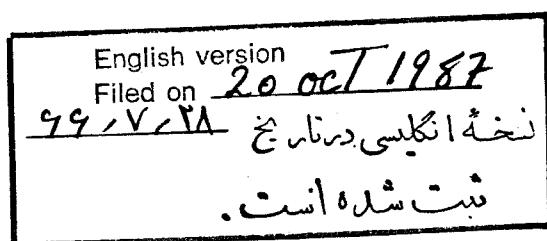
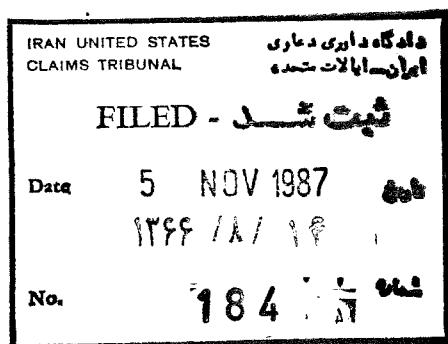
بسمه تعالیٰ

پرونده شماره ۱۸۴

شعبه یک

حکم شماره ۳۲۰-۱۸۴-۱

DUPLICATE
ORIGINAL
«نسخه برای اصل»



گرنجر اسوشی ایتس،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران،

شرکت مخابرات ایران،

سازمان هواپیمایی کشوری ایران،

خوانندگان.

نظر مخالف آقای عاملی

۱ - جای تاعسف است که دیوان داوری بدليل عدم شور مناسب نتوانسته حتی حکم صحیحی بر مبنای شرایط مرضی الطرفین در پرونده حاضر صادر نماید. بررسی غیابی استناد و مدارکی که به طرف ذیربخط ابلاغ نشده، رویه نادرستی است که اشکالات عمده‌ای را به وجود می‌آورد.

۲ - صحیح آن بود که دیوان مقرر می‌داشت نسخ استنادی که خواهان نزد دفتر دیوان

تودیع کرده، به خواندگان پرونده حاضر ابلاغ شود و با توجه به تردیدهایی که در مورد انطباق یا مغایرت این اسناد با موافقت نامه حل و فصل وجود داشت، از ایشان می‌خواست که راجع به اسناد مذبور اظهار نظر نمایند. در آنصورت، خواندگان که گیرندگان نهایی اسناد هستند و در واقع نظر بر این بوده که مالک آنها گردند، یا از هرگونه مغایرت بین اسناد و موافقت نامه حل و فصل، اعم از اینکه در بررسی غایبی دیوان به این عدم انطباق اشاره می‌شد یا نمی‌شد، چشم پوشی می‌کردند و یا با خواهان به راه حل دیگری می‌رسیدند. به هر صورت، دیوان حق نداشته است که خواندگان را از این حق محروم کند.

۳ - در جمله دوم بند یک ماده پنج موافقت نامه حل و فصل پرونده حاضر آمده است که "خواهان باید کلیه اسناد مالکیتی را که در اختیار دارد... تهیه کرده و همراه با موافقت نامه حل و فصل حاضر به دیوان تسلیم نماید". لکن در تاریخ ۳۰ مرداد ماه ۱۳۶۶ (۲۱ اوت ۱۹۸۷)، ایالات متحده، و نه خود خواهان، ضمن تسلیم نامه‌ای از جانب خواهانها، مدارکی را ضمیمه و اعلام کرد که "خواهان پرونده شماره ۱۸۴ گرنجر اسوشی ایتس به ایالات متحده اطلاع داده است که هیچگونه "سند مالکیتی" در اختیار ندارد که... به دیوان تسلیم نماید". این رویه قابل قبول نیست. قبل از هر چیز، ایالات متحده سمتی در این پرونده ندارد و ضمناً طبق سوابق پرونده حاضر، نه وکیل خواهان است و نه نماینده او، به ویژه اینکه ایالات متحده وجود هرگونه حمایت یا حمایت سیاسی ادعاهای مطرح توسط خواهانهای امریکایی در این دیوان را انکار می‌کند.

۴ - ثابیا" از نحوه انشای قید فوق الذکر در موافقت نامه حل و فصل، روشن و قطعی است که خواهان می‌بایستی پاره‌ای از اسناد مالکیت را در اختیار داشته باشد، زیرا در غیراین صورت، تعهدی بابت تسلیم آنها بر عهده نمی‌گرفت. اگر ابهامی هم وجود می‌داشت به تعداد اسناد موجود مربوط می‌شد و نه به وجود یا عدم وجود کل

آنها بدينسان، واضح است که قيد فوق الذکر بدان معنی نیست که خواهان موظف است فقط اسنادی را که تصور می‌کند در اختیار دارد، تحويل دهد. همچنین، این نکته نیز لازم به تذکر است که طبق این قيد، خواهان متعدد است اسناد مالکیت را "هم تهیه و هم تسليم" نماید و نه اینکه صرفاً متعدد به تسليم اسناد موجود باشد.

۵ - بعلاوه، قيد ياد شده به هیچ روی به خواهان این حق را نمی‌دهد که خود قاضی دعوای خویش باشد و بدون هیچگونه توضیحی، و از طریق شخص ثالثی، به دیوان اطلاع دهد که هیچگونه اسناد مالکیتی در اختیار ندارد که تسليم کند. این نهایت کم هوشی است که بگذاریم طرفی به این سادگی از اجرای تعهدات خویش طفره برود. در صورتی که موافقت خواندگان با این اظهار جدید خواهان لازم نباشد، که به نظر اینجانب هست، خواهان باید حداقل دیوان را نسبت به اظهار خویش مقاعد کند و مطلبی شبیه پیشنهاد سازشی اولیه اینجانب در بیع نامه درج گردد. موافقت خواندگان، بدلیل عدم ایفای تعهد خواهان طبق موافقت نامه حل و فصل و مجاز نبودن دیوان به قبول چنین تعهد مغایری، لازم است: در حکمی که اخیراً بر مبنای شرایط مرضی الطرفین صادر شد، دیوان این نظر را، گرچه به نفع خواهان امریکایی، دقیقاً مورد تایید قرار داد. رجوع شود به: حکم شماره ۱۶-۳۱۸ مورخ اول مهر ماه ۱۳۶۶ (۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷) صادره در پرونده آربسی اگلوبال کامپونیکشنز اینک و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، ص ۳: "هر چند بند (ب) ماده دوازده موافقت نامه حل و فصل تنها به "نسخ اصل" اسناد مذکور اشاره می‌کند، آربسی ا. در تاریخ دوم شهریور ماه ۱۳۶۶ (۲۴ اوت ۱۹۸۷) نامه‌ای ثبت و طی آن تأیید نمود که اسناد تسليمی توسط خواندگان [يعنى نسخ آنها] را کافی می‌داند".

۶ - اگر سوالی در این مورد وجود داشت که آیا خواهان اسناد مالکیت مورد بحث را در اختیار دارد، این مطلب در موافقت نامه حل و فصل منعکس و در غیراینصورت،

صریحاً قید می‌شد که یکی از طرفین، و یا شخص ثالثی با بازرگانی مدارک خواهان، این مطلب را روشن نماید و این قضاوتی است که باید به نحو معقول و با توضیح کافی اعمال گردد. هیچ کدام از این امور در پرونده حاضر مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این، عبارت "any and all" به معنی "every and all" است و نه "if any".

علاوه بر این، الزام تهیه اسناد مالکیت در موافقت نامه حل و فصل شامل هر دو دسته اموال واقع در ایران و ایالات متحده می‌شود، زیرا عبارت "آن قطعات..." در جمله دوم بند یک ماده پنج، ناظر بر "قطعات" موصوف در جمله اول است که به توبه خود هر دو گروه اسناد را شامل می‌شود. در صورتی که تفسیری خلاف این صحیح می‌بود، بیع نامه نمی‌باشد شامل اموالی می‌شد که در ایالات متحده واقع است، بلکه می‌باشد فقط ناظر بر اموال موجود در ایران می‌بود، زیرا جمله دوم بند یک ماده پنج تنها قید ناظر بر بیع نامه است. منظور از جمله آخر بند دو ماده پنج که صرفاً حاوی اشاره‌ای است به بیع نامه، اینست که سند مذبور باید حاوی جزئیات اموال واقع در ایالات متحده باشد، و نه اینکه باید توسط خواهان تهیه شود و یا حاوی چه شروطی باشد و یا به چه کسی تسلیم گردد. لازم به یادآوری است که هم متن تسلیمی قبلی و هم متن تسلیمی اخیر بیع نامه خواهان، علاوه‌اُن حاوی شرح اموال واقع در ایران و ایالات متحده، هردوست.

علاوه، با توجه به بندهای ۴ و ۵ حکم، این مطلب بسیار سوال برانگیز است که چگونه خواهان از دستور مورخ هشتم مهر ماه ۱۳۶۶ (۳۰ سپتامبر ۱۹۸۷) دیوان که اصلاح و تسلیم بیع نامه جدید را مقرر می‌داشت، آکاهی داشته، بطوری که در تاریخ نهم مهر ماه ۱۳۶۶ (اول اکتبر ۱۹۸۷)، یعنی درست در همان تاریخی که دستور یاد شده به نماینده رابط ایالات متحده ابلاغ گردید، نامبرده بیع نامه جدید را تسلیم کرد. بیع نامه جدید در تاریخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۶ (۱۸ سپتامبر ۱۹۸۷) یعنی سه روز پس از تهیه اولین پیش نویس دستور مورخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۶۶

(۱۵ سپتامبر ۱۹۸۷) امضا و به قید سوگند به گواهی محضر رسیده بوده است.
پیش نویس مذبور که اساساً مشابه پیش نویس صادره در هشتم مهر ماه ۱۳۶۶ (۳۰ سپتامبر ۱۹۸۷) بود، توسط رئیس شعبه و با قبول دو مورد از نظرات اینجانب،
پیشنهاد گردید. و در ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۶ (۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷) اینجانب آنرا با
چند اصلاح همراه با پاراگراف جدیدی توزیع کردم که به نظر اینجانب مشکلی را که
اکنون موجب مخالفت اینجانب با حکم صادره گردیده، حل می کرد. متعسفانه
اشکالاتی که اینجانب در نظر مخالف مورخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۶۶ (۱۷ ژوئیه ۱۹۸۷)
خود در پرونده شماره ب/۱، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات
متده امریکا، ادعاهای شماره ۲ و ۳ بدان اشاره نمودم، در پرونده حاضر نیز
موجود است.

لاهه به تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۳۶۶ برابر با ۲۰ اکتبر ۱۹۸۷

کورش حسین عاملی
Koorosh Hosseini

کورش حسین عاملی